

خط سیر مهاجرت اقوام آریایی

در سرودهای ودایی و یشتها

عبدالله مرادبیگی

صرف نظر از محدود پژوهندگانی که در ادواری خاص، بنا بر ملاحظات سیاسی و یا تمایلات نژادگرایانه‌ی رایج در اروپا و به طور کلی غرب، خاستگاه اقوام آریایی را به مرکز اروپا و یا به شمال آن کشانیده‌اند، اکثریت قریب به اتفاق محققان صاحب نظر در تاریخ، نژاد، دین، زبان و دیگر ویژگی‌های اقوام آریایی، قاطعانه اراضی جلگه‌ای میان رودهای سیردریا و آمودریا و مسیر شعبات آنها تا پیرامون دریاچه خوارزم را نخستین سرزمین اقوام آریایی دانسته‌اند.

در این باره برای نمونه می‌توان از رأی و نظر دانشمندان بنامی چون، آلتهایم (Altheim)، لومل (Lommel)، ماکس مولر (M. Mueller)، شدر (Schaefer) (آلمانی)، آرتور کریستین سن (A. Christensen) (دانمارکی)، نیبرگ (Nuberg) (سوئدی)، میلز (Mills) (انگلیسی)، ژوبن ویل (Jubainville) (فرانسوی) و بسیاری دیگر که تنها آوردن نام معتبرترین آنان خود فهرستی بس طولانی خواهد شد، یاد کرد که همگی سرزمین‌های یاد شده را خاستگاه و نخستین منزلگاه‌های اقوام آریایی اعلام کرده‌اند.

یافته‌های باستان‌شناسان روس (از دوران سلطه‌ی تزاران تا عصر حاکمیت بلشویکان) از کاوش‌های باستان‌شناسی در مناطق باستانی خوارزم و فرارود (= وراود = ماوراءالنهر) و دشت خاوران (= سرزمین پارت = گرگان باستانی

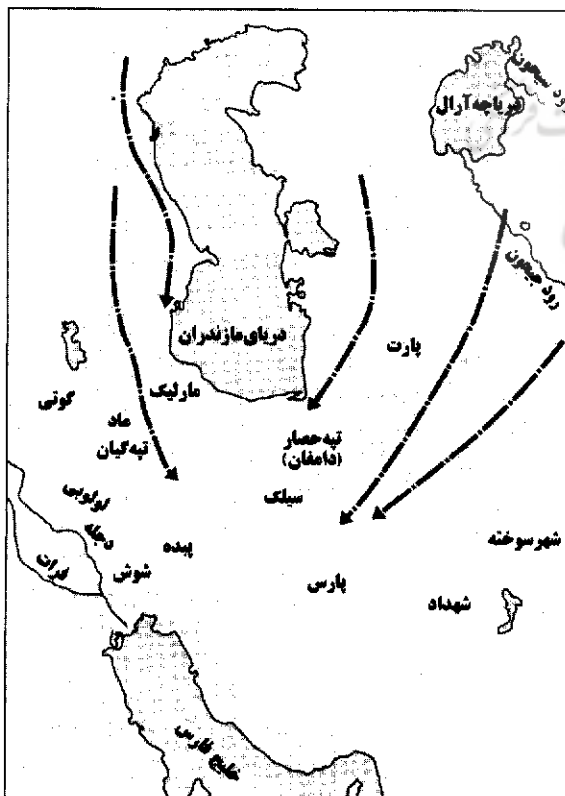
در شرق دریای مازندران) نیز تماماً دلالت بر حضور اقوام آریایی از باستانی‌ترین زمان در این سرزمین‌ها دارد. بر اساس چنین یافته‌های مستند و غیرقابل انکاری از دوران باستان و ادوار پس از آن بوده است که محققان روس عصر سلطه‌ی کمونیستی با وجود محدودیت‌های بسیاری که در بیان واقعیت‌های خارج از

چارچوب تفکرات جزمی حاکمیت حزبی داشتند، ناچار شدند ضمن تأیید این حضور باستانی، استمرار پیوندهای فرهنگی، دینی و تاریخی اقوام این سرزمین‌ها را با جامعه بزرگ اقوام ایرانی به نوعی در تمام ادوار تاریخ نیز مورد تأکید قرار دهند.

اما معتبرترین اسنادی که به روشن‌ترین صورت، محیط جغرافیایی خاستگاه اقوام آریایی و نیز موضع نخستین منزلگاه‌های آنان را ترسیم می‌کند، نوشته‌های کهن دینی خود آنان است.

ریگ ودا (Rigveda = یکی از چند کتاب ودا) کتاب مقدس هندوان و اوستا کتاب دینی زردشتیان هر دو از باستانی‌ترین آثار مکتوب اقوام آریایی هستند. از نوشته‌های این هر دو کتاب دینی، به ویژه

اوستا این معنی به روشنی خود را می‌نمایاند که خاستگاه نخستین خانمانهای آریایی در پهنه‌ی خوارزم، سند، بلخ، هرات، مرو، و... میان بلندی‌های پامیر و سواحل شرق دریای مازندران (= دریای کاسپین) گسترده بوده است. از همین جایگاه بوده که اقوام آریایی در دورانی بسیار بعید، مهاجرت بزرگ خود را که در چند نوبت و مرحله



دارند، اقوام آریایی هند پس از ترک نخستین سرزمین نیاکانی که دشت‌هایی در دامنه‌های آن سوی کوه‌ها در سمت شمال یاد شده‌اند، در حالی که پیوسته با جنگ جویان سرزمین‌های پیش‌رو در نبرد هستند، از گذرگاه‌های کوهستانی به سوی دره رود سند ره می‌سپارند. امروز در این که «گذرگاه خیبر» یکی از اصلی‌ترین معابر در مسیر مهاجرت اقوام آریایی هند به سوی جنوب و سرزمین هند بوده است، جای تردید وجود ندارد.

خاستگاه اقوام آریایی در اوستا

در این میان، سخن اوستا درباره‌ی خاستگاه اقوام آریایی، نام و موضع جغرافیایی آن بسیار روشن‌تر از اشارات غیرصریح ودایی است. خاستگاه اقوام آریایی در اوستا «آریاویج» (= اثیرینه‌ویجه) خوانده شده است که به معنی سرزمین آریایی است. آریاویج را به دلیل آن که نخستین سرزمین آریایی و زادگاه این اقوام بود، باید نیاخاک مشترک همه آریایی‌نژادان دانست. از توصیف‌های روشنی که در بخش‌های مختلف اوستا، به ویژه در کهن‌ترین روایت‌های دینی-تاریخی آن از محیط جغرافیایی آریاویج شده

دارند که شاخصه‌های جغرافیایی هستند. این شاخصه‌ها به خوبی بر پستی و بلندی‌های شمال و شمال غرب و مغرب سرچشمه‌ها و سرشاخه‌های رود سند قابل انطباق بودند. البته هر چه زمان سرایش قطعات این سرودها به دوران مقدم‌تری مربوط می‌شود، به همان اندازه نیز نمادهای جغرافیایی نغمه‌ها به محیط پیرامون سرچشمه‌ها و سپس بستر رودهای سیردریا و آمودریا نزدیک‌تر می‌شوند. علاوه بر آن، در بخشی از فضای داستانی-اساطیری نخستین سرودهای ودایی، می‌توان محیط جغرافیایی خوارزم و فرارود را به عنوان میدان حماسی‌ترین نبردهای پهلوانی قهرمانان مشترک ایرانی و هندی شناسایی کرد. همانگونه که این نخستین سرزمین ورجاوند آریایی، در اصل‌ترین و آرمانی‌ترین حماسه‌های ملی تاریخ داستانی ایران نیز که اساس آنها هم بر روایات دینی و ملی آریایی ماقبل زردشتی استوار است، جایگاهی بس بلند دارد و میدان اصلی رزم و نام‌آوری پهلوانان پیکارجوی ایرانی است.

در پاره‌ای از قطعات متأخرتر سرودهای ودایی دوران مهاجرت، که صورت تاریخی‌تری

به مرحله انجام پذیرفت، آغاز کردند. چنانکه هر بار دودمان‌هایی از ایشان به سببی چند که انبوه‌شدن مردمان و دگرگشتن روابط میان‌شان از جمله‌ی آن بود، به جستجوی خانمانی تازه، رو به جانیی نهاده و سرزمینی را بوم و وطن خود ساختند. در این میان دودمان‌هایی به سوی غرب رفتند و در پهنه‌ی اروپا مسکن گزیدند و دودمان‌هایی به سمت جنوب سرازیر شدند، از سند گذشتند و در هند نشستند. اما دودمان‌هایی نیز دل از نخستین نیاخاک باستانی نکندند، بلکه به تدریج رو به جنوب و غرب خاستگاه خود، در گستره‌ای که بعد به نامشان «ایران زمین» خوانده شد گسترش یافتند؛ از سیردریا تا حاشیه‌ی جنوب خلیج فارس و از سند تا فرات.

این یقین درباره‌ی دودمان‌های هندی و ایرانی اقوام آریایی حاصل است که آنان تا پیش از جدایی از هم، طی قرون متمادی در مناطقی از شمال شرق و مشرق ایران در کنار هم می‌زیستند.

در قطعاتی از سرودهای ودایی که قبل از ورود اقوام آریایی هندبه شبه‌قاره سروده شده و فضای زمانی چندین قرنی دوران مهاجرت از نغمه‌های آن به خوبی پیداست، نمادهایی وجود

در هر نقطه‌ای از ایران و جهان
می‌توانید خلاصه‌ای از مجله گزارش
را قبل از چاپ بر روی سایت اختصاصی
WWW.GOZARESH.COM
ببینید

است، به راحتی می‌توان بر نقشه‌ی جغرافیایی، محل و موضع آن را پیرامون دریاچه خوارزم شناسایی کرد.

در وندیداد، فرگردیکم، نام شانزده سرزمین آریایی آمده‌است. بدین ترتیب: اثیرینه و یجه (= خوارزم)، سوغده (= سنده)، مورو (= مرو)، باخدی (= بلخ)، نیسایه (= نسا)، هرایوه (= هرات)، وایکزنه (= کابل)، اورو (= ولایت امروز غزنی)، وهرگان (= هیرکانیا = گرگان باستانی در شرق دریای مازندران)، هرهواتی (= رنج = ولایت امروز قندهارا) و به طور کلی تمام سرزمین‌های حوزه رود هیلمند (= هلمند = هیرمند). این سرزمین‌ها، نخستین منزلگاه‌های اقوام آریایی هستند. آریویج به عنوان خاستگاه این اقوام در رأس این منزلگاه‌ها قرار دارد. ترتیب نام این سرزمین‌ها در وندیداد با توجه به گسترش محیط جغرافیایی آنها در پهنه‌ی ایران شرقی، که یکی پس از دیگری از شمال به جنوب دنباله‌ی طبیعی سرزمین خوارزم می‌باشند، علاوه بر آن که موضع جغرافیای آریویج را بر سرزمین خوارزم قابل انطباق می‌سازد، چگونگی آهنگ گسترش نخستین منزلگاه‌های اقوام آریایی (بطور مشخص شاخه‌ی دودمان‌های هندی و ایرانی) را نیز تاپیش از جداشدن آنان از هم نشان می‌دهد.

شک نیست که دودمان‌های آریایی هند، پس از ترک نخستین سرزمین نیاکانی در خوارزم، در قسمتی از مسیر طولانی مهاجرت خود به سوی جنوب و دره‌ی رود سند، که به تدریج و منزل به منزل انجام می‌شد، زمانی دراز همچنان در کنار آن دسته از دودمان‌های آریایی (= ایرانی) که ایران شرقی تا حوزه رود هیرمند را منزلگاه‌های خود ساخته بودند، طی طریق می‌کردند. بنابراین می‌توان گفت که دودمان‌های هندی در نخستین مرحله مهاجرت از خوارزم، پیش از آنکه متوجه سرزمین هند شوند، تا قرن‌ها در منزلگاه‌های آریایی مشرق ایران با دودمان‌های ایرانی در یکجا بود و باش داشتند. حتی دور نیست اگر گفته شود که دودمان‌های آریایی هند در آغاز پیکره‌ی شرقی‌تر دودمان‌های ایرانی را در مشرق ایران زمین تشکیل می‌دادند. اما این هم خانمانی سرانجام پس از زمانی طولانی بر اثر بعضی پیشامدهای تاریخی، به ویژه با تحول بنیادینی که با ظهور زردشت در باور دینی دودمان‌های آریایی ایران شرقی رخ نمود و سبب طرد خدایان کهن آریایی از سوی بخشی از آنان شد، به پایان آمد. در نتیجه، باورمندان آیین کهن

به ناچار همخانمانان آریایی خود را در مشرق ایران ترک کردند و در دومین مرحله مهاجرت خود، به سرزمین‌های آن سوی رود سند رفتند. به یقین، ظهور زردشت، اقوام آریایی را در مناطق اولیه‌ی گسترش آیین مزدایی، از خوارزم تا سیستان، به دو گروه بزرگ دودمانی، هندی و ایرانی، نخست در دو سوی مرز باورهای دینی و سپس مرزهای جغرافیایی تقسیم کرد. آنان که خانمان آریایی خود را پاس داشتند و به ترک آن راضی نشدند، ایرانی

**فضای زمانی
روایت‌ها در
یشت‌ها به ادوار
کهن‌تری از
عصر گائاهها
تعلق دارد، یعنی به
باستانی‌ترین
دوران زیست
مشترک اقوام آریایی**

و آنان که ترک خانمان کردند و از آب سند گذشتند، هندی (= سندی) خوانده شدند. وجود تعداد بی‌شمار واژگان و مفاهیم مشترک در زبان سرودهای ودایی و گائایی، در واقع حاصل چنین عصری از دوران زیست مشترک دو دودمان هندی و ایرانی در پهنه‌ی نخستین منزلگاه‌های آریایی ایران شرقی، از خوارزم تا سیستان است. زیرا وجود یک چنین سابقه‌ای از ارتباط نزدیک و مستمر و تداوم آن برای زمانی طولانی و نیاز دو دودمان به درک مفاهیم زبان یکدیگر، یکی از دلایل اصلی به کارگیری این تعداد وسیع از الفاظ و مفاهیم مشترک، میان دو زبان آریایی فوق بود. اگرچه طبیعی است که با ظهور زردشت و گسترش دین مزدیسنا، کیفیت معانی تعداد زیادی از الفاظ مشترک، به ویژه آنجا که واژه‌ها به نگرش هریک

از دو دودمان به جهان هستی و منزلت و یا خفت خدایان باستانی آریایی (= خدایان آیین دیویستا) مربوط می‌شد، دگرگونی‌های عمیق پذیرفته باشد. محققان تأکید دارند که قدمت کهن‌ترین بخش اوستا، یعنی گائاهها که به تحقیق، سروده شخص زردشت است، به مانند سرودهای اولیه‌ی ودایی به زمانی بازمی‌گردند که دودمان‌های هندی و ایرانی هنوز در شمال شرق و مشرق ایران با هم می‌زیستند. مضافاً بر اینکه محققان، زبانی را که گائاهها با آن سروده شده است یکی از زبان‌های ایران شرقی می‌دانند. آرتور کریستین سن می‌نویسد: «زردشت گائاهها را به لهجه‌ی که دعوت شدگان او سخن می‌گفتند (یعنی زبان مشرق ایران) نوشت.» (کیانیان - ص ۵)

با توجه بر اتفاق رأی محققان که محل تنظیم سرودهای اولیه‌ی ودایی را خارج از هند، در محیط جغرافیایی نخستین منزلگاه‌های آریایی مشرق ایران می‌شمارند، شک نیست که زبان این سروده نیز باید یکی از لهجه‌های ایران شرقی باشد. بر این اساس است که زبان شناسان، جدای از مانندگی‌های الفاظ و مفاهیم، وحدت ریشه‌ای بیشتری میان زبان سرودهای ودایی و زبانی که گائاهها با آن سروده شده است قائلند.

اوستاشناسان، گذشته از زبان گائاهها، زبان هات‌های هفتگانه (= هپتنگ هائیتی = Haptang) شامل = هات‌های ۲۵ تا ۴۱ یستا) و یشت‌های اولیه (شامل یشت‌های بلند) را که به ترتیب بعد از گائاهها، قدیمی‌ترین بخش‌های اوستا هستند و در فاصله زمانی زیادی پس از زردشت تدوین شده‌اند، نیز مربوط به ایران شرقی می‌دانند. باید توجه داشت که در فاصله‌ی زمانی سروده شدن گائاهها و تنظیم و تدوین یشت‌ها، به واسطه‌ی متحول شدن زبان‌های ایران شرقی، زبان یشت‌ها نسبت به زبان گائایی برای پذیرش و بیان مفاهیم گسترده‌تر دینی، ظرفیت بیشتری از خود نشان داده است.

به عقیده‌ی محققان، گذشته از زبان، محیط جغرافیایی روایت‌ها نیز در یشت‌ها به مانند گائاهها، سرزمین‌های ایران شرقی است. همان گونه که کریستین سن می‌نویسد: «این محیط جغرافیایی علاوه بر حوزه‌ی شط‌هلمند (= هیرمند) یعنی زرنک (= سیستان) عبارت بوده است از نواحی آریا، مرو، سند، خوارزم و بطور خلاصه تمام ایران شرقی.» (کیانیان - ص ۶)

یشت‌ها اگرچه در دوران پس از زردشت تنظیم شده‌اند ولی چون محصول عصر پذیرش دوباره‌ی

منزلگاه های اقوام آریایی در خوارزم و فرارود را به عنوان کهن ترین سند تاریخ درباره خاستگاه این اقوام تلقی کرد.

در بندهای ۱۳ و ۱۴ مریشت که خود در میان یشت های اولیه از کهن ترین یشت ها شمرده می شود، از محیط جغرافیایی آریاویش (= خوارزم) و سرزمین های پیرامون آن که نخستین منزلگاه های آریایی هستند تصویری این چنین روشن ترسیم گردیده است.

«[اوست] نخستین ایزد مینوی که پیش از [سربر آوردن] خورشید جاودانه ی تیز اسب بر فراز کوه «هرا» برآید؛ نخستین کسی که با زیورهای زرین آراسته از فراز [کوه] «زیبا» [هرا] سر بدر آورد و همه خانمانهای آریایی را از آنجا بنگرد. آنجا که شهریاران دلیر [رزم آوران] بسیار بسیج کنند. آنجا که کوه های بلند و چراگاه های بسیار برای ستوران هست. آنجا که دریاها ی فراخ و ژرف هست. آنجا که رودهای پهناور درخور کشتیرانی با انبوه خیزاب های خروشان به سنگ خاره و کوه خورد و به سوی «مرو» [در «هرات»] و «سند» و «خوارزم» شتابد.» (اوستا - نگارش جلیل دوستخواه، گزارش پورداود)

با توجه به اتفاق رأی پژوهشگران، که محل تنظیم سرودهای اولیه ودایی را خارج از هند می شمارند، شک نیست که زبان این سروده یکی از لهجه های ایران شرقی بوده است

باستانی ترین دوران زیست مشترک اقوام آریایی در نخستین سرزمین نیاکانی، یعنی زادگاه آنان بازمی گردد. از این رو به یقین باید توصیف و سخن یشت ها از محیط جغرافیایی آریاویش و نخستین

خدایان کهن آریایی طرد شده از سوی زردشت توسط دودمان های ایرانی است، روایت های آن نیز منعکس کننده ی روح باورهای مشترک دینی اقوام آریایی در باستانی ترین زمان آن است. حتی گروهی از صاحب نظران بر این باورند که برخی از مواد مطالب این روایت ها، از جمله آنچه مربوط به محیط جغرافیایی خاستگاه اقوام آریایی و نخستین منزلگاه های آنان می شود، بی هیچ تغییری، همان گونه که از قبل بر اساس مجموع واقعیت های تاریخی و روایت های دینی و باورهای اساطیری، در منظومه های کهن تر دین باستانی آریایی پیش از زردشت وجود داشته، دوباره در یشت ها آمده است. به علاوه به نظرمی رسد دین زردشتی هنوز در عصر تدوین یشت های اولیه، با وجود گذشت زمانی طولانی از دوره ی زردشت، همچنان در همان محیط جغرافیای اولیه ی ظهور و گسترش خود در ایران شرقی، در پهنه ای از خوارزم تا سیستان که میان صحرای مرکزی ایران و رود سندگسترده شده است، باقی مانده بود.

بر این اساس و بر پایه ی شواهد متعدد دیگر، فضای زمانی روایت ها در یشت ها به ادوار بسیار کهن تری از عصر گائاهای تعلق می گیرد و تا به

S
A
E
E



پژوهشگاه مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ساعی

کلکسیون پوشاک آقایان

ونک، ملاصدرا، شیراز جنوبی
شماره ۲۳
تلفن ۸۰۴۱۱۱۲-۳